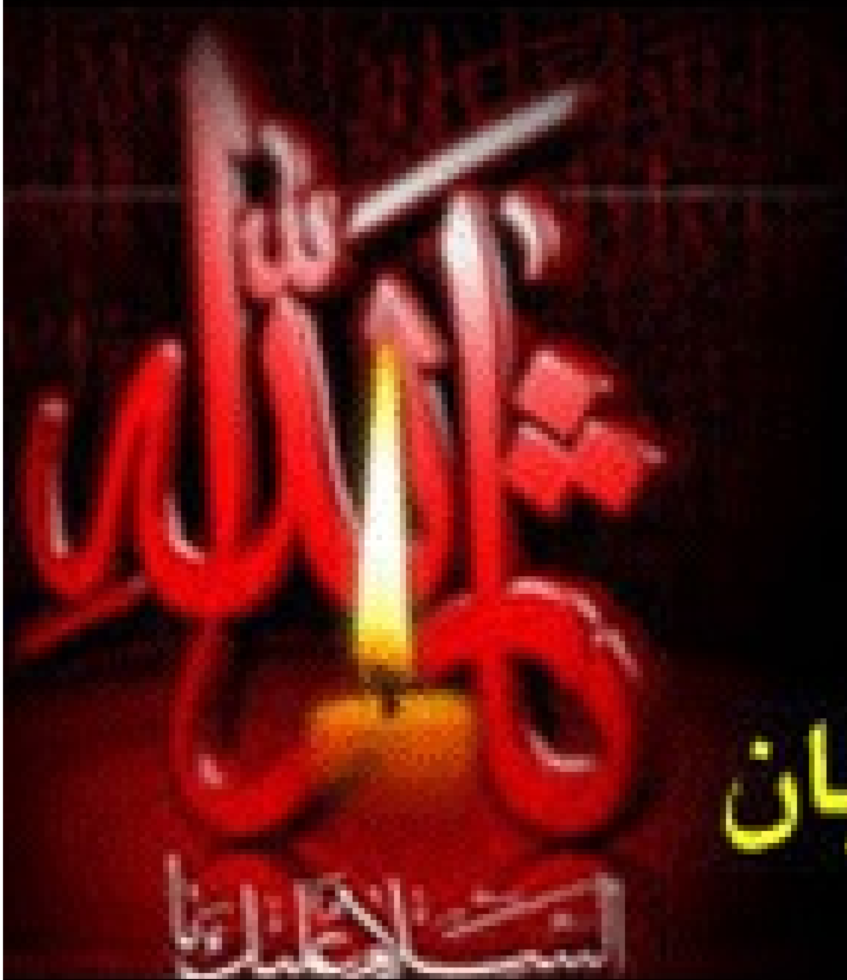


پیام های عاشورا از زبان عاشوراییان

سید مجتبی غیوری نجف ابادی

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام های عاشورا از زبان عاشوراییان

نویسنده:

مجتبی غیوری نجف آبادی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پیام های عاشورا از زبان عاشوراییان

مشخصات کتاب

پیام های عاشورا از زبان عاشوراییان

سید مجتبی غیوری نجف آبادی

مقدمه

حادثه عاشورا و تاریخ کربلا دو چهره و نمود دارد: یک چهره سفید و نورانی و چهره ای تاریک ، سیاه و ظلمانی . اما چهره سیاه و تاریکش از آن نظر سیاه و تاریک است که در آن فقط جنایت ، ظلم ، و پستی است . وقتی ما این چهره را می بینیم ، در آن کشتن انسان های بی گناه ، کشتن طفل شیرخوار، مضایقه از آب ، تیر و نیزه و اسب بر بدن تاختن ،آتش زدن خیمه ها و بالاخره به اسارت بردن زنان و فرزندان را نظاره می کنیم . اما آیا تاریخچه عاشورا همین یک چهره است ؟ نه ، کربلا چهره دیگری هم دارد که سراسرحماسه است ، افتخار و نورانیت است ، تجلی حقیقت و انسانیت است ، تجلی حق پرستی است ، این چهره را که می بینیم ، می گوییم : بشریت حق دارد به خودش ببالد و افتخار کند.حسین (ع) یک شخصیت حماسی است ، حماسه کامل ترین فضائل اخلاقی ،حماسه عشق و ایمان و ایثار، حماسه شهادت و شهامت و غیرت ، حماسه پاکی و صداقت ،و در یک کلمه حماسه انسانیت و همین رمز جاودانگی و بقای نهضت او در طول تاریخ بوده و هست .سخنانی که از امام حسین (ع) و اصحاب آن حضرت نقل شده نادر است ، ولی همین مقدار که در تاریخ ضبط شده به طور واضح و روشن ، اهداف و انگیزه های این نهضت پرشور و روحانی را تبیین می کند و درس ها و عبرت هایی را که انسان ها در طول قرون می توانند از آن بهره ببرند، آشکار می نماید.یکی از چیزهایی که سبب شده که متن این حادثه محفوظ بماند و هدفش شناخته شود، آن است که در این واقعه خطبه زیاد خوانده شده

است ؛ خطبه در آن زمان ها حکم اعلامیه را در عصر حاضر داشته است ، چه خطبه هایی که قبل از حادثه کربلا خوانده شده و چه در خلال آن و چه خطبه هایی که اهل بیت در کوفه و شام و در جاهای دیگر ایراد کرده اند.هم چنین در قضیه کربلا، سؤال و جواب زیاد شده است و همین ها در متن تاریخ ثبت شده و ماهیت حادثه را به روشنی نشان می دهد.نیز، در قبل و بعد از ماجرا نامه های زیادی مبادله شده است ؛ نامه هایی که میان امام و اهل کوفه یا اهل بصره مبادله شده و نامه هایی که امام قبلًا برای معاویه یا بعداً برای دیگران نوشته است .در خود کربلا، رجز زیاد خوانده شده است ، چه از جانب خود حضرت و چه از طرف اصحاب و یاران آن حضرت که این رجزها خود می تواند بیانگر اهداف و انگیزه های آنان در این نهضت عظیم باشد.علاوه بر تمام این ها، دعاها و مناجات هایی که حضرت در مواطن گوناگون با حضرت حق جل شأنه داشتند، بیانگر روح بزرگ و معنوی او و روشنگر اهداف مقدس حضرت از این انقلاب الهی است .نگارنده سعی دارد در این مقال ، به گوشه ای از درس ها و پیام های عاشورا از زبان کسانی که خود، این نضهت خونین و حماسی را آفریدند بپردازد؛ باشد که ان شاءالله تعالی گامی هر چند کوچک در تبیین اهداف این واقعه عظیم و مقدس در سال مزیّن به نام عزت و افتخار حسینی باشد.

پیام های اعتقادی

توحید و ایمان به مبدا و معاد

عقیده به مبدأ و معاد مهم ترین عامل جهاد و فداکاری در راه خداست ، چنین اعتقادی در کلمات امام حسین (ع) و اشعار و رجزهای او و یارانش

نقش محوری دارد.وقتی سپاه حکومت حرّ راه را بر کاروان امام بست ، حضرت ضمن خطابه ای که ایراد کرد،فرمود:«تکیه گاهم خداست و او مرا از شما بی نیاز می کند.» روز عاشورا وقتی بی تابی خواهرش را می بیند، می فرماید: «خواهرم خدا را در نظر داشته باش ، بدان که همه زمینیان می میرند، آسمانیان هم نمی مانند، هرچیزی جز وجه خدا که آفریدگار هستی است از بین رفتنی است ».صبح عاشورا نیز وقتی سپاه کوفه با همهمه رو به اردوگاه تاختند با خدا چنین مناجات می کند: خدایا! در هر گرفتاری و شدت تکیه گاه و امیدم تویی و در هر حادثه ای که برایم پیش آید پشتوانه منی ».باور به معاد رشته های علقه انسان را از دنیا می گسلد و به او یاری می رساند تا بتواند در مسیر عمل به تکلیف راحت از جان خود بگذرد. امام (ع) در اشعاری که بعد ازشهادت مسلم انشا فرمود، به این مسئله مهم اشاره می کند و می فرماید:«اگر دنیا ارزشمند به حساب آید، سرای آخرت که خانه پاداش الهی است برتر و نیکوتر است و اگر بدن ها برای مرگ پدید آمده اند، پس شهادت در راه خدا برتر است ».در رجزهای یاران امام نیز این نکته کاملاً مشهود است ؛ به عنوان نمونه وقتی «عمروبن خالد» ازدی به میدان رفت ، در رجز خویش چنین گفت :«ای جان ! امروز به سوی خدای رحمان و روح و ریحان می روی و آنچه را که در لوح تقدیرت از پاداش های الهی نوشته شده درمی یابی ، پس بی تابی مکن که هر زنده ای مردنی است ».

اعتقاد به رسالت پیامبر

در عصر پس از پیامبر، امت دچار تجزیه شدند، برخی به سنت و دین او وفادار ماندند، ولی اکثر مردم دچار ضلالت و بدعت شدند. در مکه حضرت سیدالشهداء (ع) با

ابن عباس درباره امویان حاکم صحبت می کرد و از وی پرسید: «نظر تو درباره کسانی که پسر دختر پیامبر را از خانه و وطن و زادگاهش بیرون کرده و او را آواره دشت و بیابان کردند و در پی کشتن وی و ریختن خونش هستند، چیست ؟ در حالی که این پسر پیامبر، نه برای خدا شریکی قائل شده ، نه غیر خدا را سرپرست خویش گرفته و نه از آیین پیامبر خدا فاصله گرفته است ». ابن عباس در جواب عرض کرد: «درباره آنان چیزی نمی گویم ، جز این آیه قرآن که : (آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند...) و بعد حضرت فرمود: خدایا!شاهد باش ابن عباس به صراحت به کفر آنان نسبت به خدا و رسول گواهی داد».در طول سفر نیز امام و خاندانش پیوسته از رسول خدا (ص) یاد می کردند و خود را ازنسل آن حضرت معرفی می کردند و به آن افتخار کرده و کرامت و شرافت خود را در آن می دانستند.

امامت

فلسفه سیاسی اسلام برای مدیریت جامعه بر مبنای دین در قالب و شکل امامت تجلّی می کند. اهل بیت پیامبر به لحاظ صلاحیت های ذاتی شایسته تر از دیگران برای تصدّی زمام داری مسلمین اند، آنچه که در غدیر خم اتفاق افتاد، تأکید مجدّد برای چندمین بار بود که رسالت پیشوایی امت پس از رسول خدا (ص) را به عهده شایسته ترین فرد پس از او؛ یعنی امیرالمؤمنین (ع) می انداخت ؛ هرچند که عدّه ای ریاست طلب وزورمدار با راه اندازی غوغای سقیفه مسیر امامت مسلمین را در بستری دیگر انداختند وامت را از امامت علی (ع) محروم کردند، ولی این حق ازآن ِامام بود و خود او پیش ازرسیدن به خلافت و پس از آن در

درگیری و مناقشاتی که با خلفا و معاویه داشت ، و پس از شـهادتش ، امامان دیگر شـیعه پیوسته بر این حق مسلّم تأکید کردند و آن را حـق خویش و دیگران را غـاصب دانسـتند.قیام عـاشورا، جلوه ای از این حق خواهی و باطـل سـتیزی در ارتبـاط بـا این والاترین رکن جامع اسلامی بود، امام حسین (ع) در مسیر راه کوفه پس از برخورد با سپاه حرّ در خطابه ای که ایرادکرد، چنین فرمود:«ای مردم ! اگر تقوای خدا پیشه کنید و حق را برای صاحبانش بشناسید، خدا از شما بیشتر راضی خواهد بود، ما دودمان پیامبریم و به عهـده داری این امر و ولایت بر شـمااز دیگران که به ناحق مـدّعی آنند و در میان شـما به سـتم و تجاوز حکومت می کننـد سـزاوارتریم ».پیـام عـاشورا این است که در جـامعه اسـلامی حـاکمیت و ولایت «حق» شایسـته ترین افراد است ؛ یعنی فردی که تعهـد ایمـانی بالا-یی داشـته باشـد و برای اجرای فرامین قرآن و هـدایت جـامعه به سوی اسـلام ناب بکوشـد و شـیوه حکومتی اش بر مبنای عدل و قسط باشد.

شفاعت

مقام شفاعت برای پیامبر و خاندان او در قیامت یکی از ارکان اعتقادی شیعه است . در کوفه وقتی امام سجاد (ع) را با آن حال رقّت بار و دست و زنجیر بر گردن آوردند،حضـرت ضـمن ایراد اشعاری به این نکته مهم اشاره می کند و می فرماید:«اگر روز قیـامت مـا و پیـامبر خـدا در یـک جا جمع شویم ، شـما چه خواهیـد گفت و چه حرفی برای گفتن یا عـذرخواهی داریـد؟».در سخنـانی هم که حضـرت زینب (س) در کوفه داشت ، از جمله به این شـعر تمثّل جست که :«آن گاه که پیامبر (در قیامت) به شما بگوید: چه کردید؟ شما که امت

آخرالزمان هستید! چه جوابی خواهید داد؟».یادآوری موضوع اعتقادی شفاعت نوعی ملامت بر عملکرد دشمنان نیز بود، چراکه جنایت آنان به ذریّه پیامبر (ص) با وضع امتی که به شفاعت آن حضرت اعتقاد داشته باشند ناسازگار است .درخواست شفاعت و امید به آن که در زیارت نامه ها آمده است ، همین اثر تربیتی رادارد، از جمله در زیارت امام حسین (ع) می خوانیم : «اللّهم ارزقنی شفاعه الحسین یوم الورود».

بدعت ستیزی

امام حسین (ع) مصداق بارزی از عمل به این تکلیف الهی به دفاع از حریم دین پرداخت و از انگیزه های خویش احیای دین و بدعت ستیزی را برشمرد، از جمله در نامه ای که به بزرگان بصره نوشت چنین آمده است :«أدعوکم الی کتاب الله و سنه نبیّه فان ّالسنّه قد اُمیتت والبدعه قد اُحییت »؛ (شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می کنم ، همانا سنت پیامبر مرده و بدعت زنده شده است ».

پیام های اخلاقی

آزادگی

حضرت علی (ع) در جایی می فرماید:«آیا هیچ آزاده ای نیست که این نیم خورده (دنیا) را برای اهلش واگذارد؟ یقیناً بهای وجود شما چیزی جز بهشت نیست ، پس خود را جز به بهشت نفروشید».آزادگی در آن است که انسان کرامت و شرافت خودش را بشناسد و تن به پستی و ذلت و حقارت و اسارت دنیا و زیر پا نهادن ارزش های انسانی ندهد.نهضت عاشورا، جلوه بارزی از آزادگی در مورد امام حسین (ع) و خاندان و یارانش است که بعضی از موارد آن به عنوان نمونه اشاره می شود:وقتی می خواستند به زور از آن حضرت برای یزید بیعت بگیرند با ردّ درخواست آن ها این گونه فرمودند:«نه به خدا سوگند نه دست ذلّت به آنان می دهم و نه چون بردگان تسلیم حکومت آن ها می شوم ».صحنه کربلا نیز جلوه دیگری از این آزادگی بود، آن حضرت از میان دو امر؛ یعنی شمشیر یا ذلّت مرگ با افتخار را پذیرفت و فرمود: «هیهات منّا الذله ».روح آزادگی امام (ع) سبب شد حتی در آن حال که مجروح بر زمین افتاده بود به تصمیم سپاه دشمن برای حمله به خیمه ها فریاد برآورد: «اگر دین ندارید و از روز رستاخیز نمی هراسید، لا اقل در دنیای

خود آزاده باشید».فرهنگ آزادگی در میان یاران امام هم کاملاً مشهود بود، حتی «مسلم »پیشاهنگ نهضت حسینی در کوفه نیز هنگام رویارویی با سپاه ابن زیاد رجز می خواند که :«هرچند که مرگ را چیز ناخوشایند می بینیم ، ولی سوگند خورده ام که جز با آزادگی کشته نشوم ».جالب آن که همین شعار و رجز را عبدالله پسر «مسلم » در روز عاشورا هنگام نبرد با دشمنان می خواند و این نشان دهنده پیوند فکری مرامی این خانواده بر اساس آزادگی است . مصداق بارز دیگری از آزادگی ، حرّبن یزید ریاحی است و همین صفت او را از دوزخ نجات داد و راهی بهشت کرد و چون به شهادت رسید سیدالشهدا (ع) بر بالینش حاضر شد و او را حرّ و آزاده خطاب کرد و فرمود: «تو آزاده ای ، همان گونه که مادرت نامت را حرّ گذاشت ».اگر آزادی خواهان در راه استقلال و رهایی از ظلم می جنگند، در سایه همین آزادگی است که ارمغان عاشورا برای همیشه تاریخ است .

ایثار

در صحنه عاشورا نخستین ایثارگر خود حضرت بود که حاضر شد جان خود را فدای دین خدا کند و رضای او را بر همه چیز برگزینند، اصحاب آن حضرت نیز هر کدام ایثارگرانه جان خویش را فدای امام خویش کردند.اظهارهای یاران امام در شب عاشورا مشهور است ، یک به یک برخاستند و آمادگی خود را برای جانبازی و ایثار خود در راه امام (ع) اظهار کردند؛ به عنوان نمونه ، به این سخن «مسلم بن عوسجه » اشاره می کنیم که به امام (ع) فرمود:«هرگز از تو جدا نخواهم شد، اگر سلاحی برای جنگ با آنان نداشته باشم با سنگ با آنان خواهم جنگید تا همراه تو به شهادت برسم ».حضرت زینب (س) عصر عاشورا

هنگام حمله سپاه کوفه به خیمه ها، چون دید شمر با شمشیر آخته قصد کشتن امام سجاد (ع) را دارد، فرمود: کشته نخواهد شد، مگر آن که من فدای او شوم ».جلوه بارز ایثار در واقعه عاشورا حضرت ابوالفضل (ع) بود؛ علاوه بر آن که امان نامه ابن زیاد را ردّ کرد و شب عاشورا نیز اظهار کرد:«هرگز از تو دست نخواهم کشید خدا نیاورد زندگی پس از تو را».روز عاشورا نیز وقتی با لب تشنه وارد شریعه فرات شد، با یاد آوری کام تشنه امام حسین (ع) ایثارگری و فداکاری به او اجازه نوشیدن آب نداد و با لب تشنه به شهادت رسید. و نمونه های بسیار زیاد دیگر که این مختصر، گنجایش بیان تمام آنها را ندارد.

توکل

امام حسین (ع) در آغاز حرکت خویش از مدینه تنها با توکّل بر خدا این راه را برگزید و در تمام مسیر تنها تکیه گاهش خدا بود، حتّی توکّلش بر یاران همراه هم نبود. ازاین رو از آنان خواست که هر کس می خواهد برگردد و همین توکل باعث شد هیچ پیشامدی نتواند در عزم او خلل وارد کند.در وصیتی که به برادرش محمدبن حنفیّه در آغاز حرکتش از مدینه داشت ، ضمن بیان انگیزه و هدف خویش از قیام در پایان فرمود: «ما توفیقی الاّ بالله علیه توکّلت و الیه اُنیب » و یا در خطبه هایی که در روز عاشورا ایراد نمود، جمله «انی توکّلت علی الله ربّی و ربّکم » را بیان کرد که بیانگر همین روحیه است .

جهاد با نفس

خود ساختگی و جهاد با نفس زیر بنای جهاد با دشمن بیرونی است و بدون آن ، این هم بی ثمر است و کربلا سرشار از این مجاهدت هاست . نافع بن هلال همسری داشت که نامزد بود و هنوز عروسی نکرده بود، در کربلا هنگامی که می خواست برای نبرد به میدان رود همسرش دست به دامان او شد و گریست . این صحنه کافی بود که هر جوانی را متزلزل کند و انگیزه جهاد را از او سلب نماید، ولی او با آن که امام نیز از او خواست که شادی همسرش را بر میدان رفتن ترجیح دهد، بر این محبت دنیوی و غریزی غلبه یافت و گفت :«ای پسر پیامبر! اگر امروز تو را یاری نکنم ، فردا جواب پیامبر را چه بدهم ؟» جنگید تا شهید شد.

شجاعت

شجاعت عاشوراییان ، ریشه در اعتقادشان داشت ، آنان که به عشق شهادت می جنگیدند از مرگ ترس نداشتند تا در مقابله با دشمن سست شوند و به همین دلیل لشگریان دشمن پیوسته از برابرشان می گریختند و چون توان مبارزه فردی را با آنها نداشتند به طور جمعی حمله کرده و آنها را به شهادت می رساندند.یکی از راویان ِ حوادث کربلا۔ حمید بن مسلم می گوید:«به خدا سوگند! هیچ محاصره شده ای در انبوه مردم ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند و چون حسین بن علی قوی دل و استوار و شجاع باشد».

صبر و استقامت

آنچه حماسه کربلا را ماندگار و جاودانه کرد، روحیه مقاومت و صبر امام حسین (ع) و یاران و همراهان او بود. حضرت در یکی از منزلگاه های میان راه این گونه فرمود: «صبر و مقاومت کنید ای بزرگ زادگان ! چرا که مرگ شما را از رنج و سختی

عبور می دهد و به سوی بهشت گسترده و نعمت های همیشگی می رساند».در شب عاشورا به خواهرش زینب و دیگر بانوان توصیه فرمود:«این قوم جز به کشتن من راضی نمی شوند، اما من شما را به تقوای الهی و صبر بر بلا و تحمل مصیبت وصیت می کنم ».از زمزمه های حضرت در آخرین لحظات زندگی در گودال قتلگاه ، صبر بر قضای الهی به گوش می رسید.

عزت و افتخار

امام (ع) و خاندان و اصحاب حضرت در مواقع و مواطن مختلف عزت و افتخار،خود را در عمل و گفتار به منصه ظهور رساندند و در مقابل ، ذلت و خواری یزید و دودمان ناپاکش را اثبات کردند که نمونه های آن بی شمار است :وقتی والی مدینه بیعت با یزید را به حضرت پیشنهاد کرد، حضرت ضمن ردّ آن ، با ذلیلانه شمردن آن این گونه فرمود:«کسی همچون من با شخصی چون او بیعت نمی کند».در جای دیگر با ردّ پیشنهاد تسلیم شدن فرمود:«همچون ذلیلان دست بیعت با شما نخواهم داد».در خطابه پرشور دیگری در کربلا به سپاه کوفه فرمود: «ابن زیاد مرا میان کشته شدن و ذلّت مخیّر کرده و هیهات ! که من جانب ذلّت را بگیرم ، این را خدا و رسول و دامن های پاک و جان های غیرت مند و باعزّت نمی پذیرد».این روحیه در فرزندان ، برادران و یاران حضرت نیز نمودی آشکار داشت که از جمله آنها ردّ امان نامه ابن زیاد توسط قمر بنی هاشم و برادرانش می باشد.خاندان حضرت نیز

عزّت خود را پس از عاشورا در قالب اسارت حفظ کردند و کم ترین حرف یا عکس العملی که نشان دهنده ذلّت و خواری آنها باشد از خود نشان ندادند. حضرت زینب (س) سخنان تحقیرآمیز ابن زیاد را در کوفه و گستاخی های یزید را در شام با عزت و سربلندی جواب داد و آنها را به محاکمه کشانید، در خطبه بلیغی خطاب به یزید این گونه فرمود:«ای یزید! خیال کرده ای با اسیر کردن ما و به این سو و آن سو کشیدن ما خفیف و خوار می شویم و تو کرامت و عزت می یابی ؟... به خدا سوگند! نه یاد ما محو می شود و نه وحی ما می میرد و نه ننگ ِاین جنایت از دامان تو زدوده می شود».

عفاف و حجاب

نهضت عاشورا برای احیای ارزش های دینی بود و از جمله آنها حفظ حجاب و عفاف زن مسلمان است ، سیدبن طاووس می گوید: شب عاشورا امام حسین (ع) درگفت گو با خانواده اش آنان را به حجاب و عفاف و خویشتن داری توصیه کرد.دختران و خواهران امام (ع) مواظب بودند تا حریم عفاف اهل بیت پیامبر تا آن جا که می شود، حفظ و رعایت شود. اُم کلثوم ۳ به مأمور اسیران فرمود:«وقتی ما را وارد شهر دمشق می کنید از دری وارد کنید که تماشاچی کمتری داشته باشد». و از آنان درخواست کرد که سرهای شهدا را از میان کجاوه های اهل بیت فاصله بدهند، تا نگاه مردم به آنها باشد و حرم رسول خدا را تماشا نکنند و فرمود:«از بس مردم ما را در این حال تماشا کردند، خوار شدیم ».یکی از اعتراض های شدید حضرت زینب (س) به یزید این بود:«آیا از عدالت است که کنیزان خود را در حرم سرا پوشیده نگاه داشته ای

و دختران پیامبر را به صورت اسیر شهر به شهر می گردانی ، حجاب آنها را هتک کرده ، چهره هایشان را در معرض دید همگان قرار داده ای که دور و نزدیک به صورت آنها نگاه کنند؟!».

عمل به تکلیف

امامان شیعه در شرایط مختلف اجتماعی طبق تکلیف عمل می کردند و در این راه هیچ چیز نمی توانست آنها را از آن منع کند. حادثه عاشورا نیز یکی از جلوه های بارز عمل به وظیفه بود و این را امام حسین (ع) و خاندان و اصحاب او در کردار و گفتار به اثبات رساندند.حضرت وقتی می خواست از مکّه به سوی کوفه خارج شود، در جواب ابن عباس که او را از رفتن به سوی عراق برحذر می داشت ، فرمود:«با آن که می دانم تو از روی خیرخواهی و شفقت چنین می گویی ، اما من تصمیم خود را گرفته ام ».وقتی دو نفر از سوی والی مکّه برایش امان نامه آوردند تا از ادامه سفر خودداری کند به آنها فرمود: «در خواب پیامبر خدا را دیدم ، به چیزی فرمان یافتم که به سوی آن خواهم رفت چه زیانم باشد چه سودم ».

غیرت

یکی از خصلت های پسندیده ، غیرت است و خداوند نیز بندگان غیرت مند خود را دوست دارد.در حادثه عاشورا جوانان بنی هاشم پیوسته اهل بیت حضرت را در طول سفر درخیمه ها محافظت می کردند، شب ها با حراست آن ها به ویژه قمر بنی هاشم زنان حرم آسوده و بی هراس می خفتند.خود حضرت نیز تا وقتی که زنده بود، نتوانست تحمّل کند که نامردان به حریم ناموس او نزدیک شوند تا جایی که نوشته اند: حضرت در حمله های خود نقطه ای در میدان نبرد انتخاب کرده بود که نزدیک خیام حرم باشد تا در صورت حمله دشمن کسی متعرض مخدّرات نشود.در واپسین لحظات هم که مجروح بر زمین افتاده بود، وقتی شنید که گروهی ازسپاه دشمن قصد حمله به خیمه ها و تعرّض به زنان و کودکان را دارند بر سرشان فریاد برآورد:«ای پیروان

آل ابوسفیان ! اگر دین ندارید و از معاد نمی ترسید، لا اقل در دنیا آزاده مرد باشید... من با شما می جنگم و شما با من می جنگید، به زنان که نباید تعّرض کرد! تاوقتی من زنده ام طغیان گرانتان را از تعرّض به حرم من باز دارید».

فتوت و جوانمردی

امام حسین (ع) و یارانش زیباترین جلوه های جوانمردی و فتوت را در حماسه عاشورا از خود نشان دادند، چه با حمایتشان از حق ، چه با جانبازی در رکاب امام خویش تا شهادت و چه در برخورد انسانی با دیگران حتی دشمنان . در کوفه وقتی «هانی » را به اتّهام پنهان کردن «مسلم » در خانه اش دستگیر کرده و به دار الاماره بردند، ابن زیاد از او خواست که «مسلم » را تحویل دهد، ولی او این را نامردی دانست و در جواب گفت :«به خدا سوگند! هرگز او را نخواهم آورد، آیا مهمان خود را بیاورم و تحویل دهم تا او را بکشی ؟ به خدا قسم ! اگر تنهای تنها و بدون یاور هم باشم ، او را تحویل نخواهم داد تادر راه او کشته شوم ».در مسیر، وقتی امام (ع) با لشکر حرّ برخورد کرد وقتی یکی از اصحابش پیشنهاد کرد که اینان گروه اندکند و جنگ با اینها آسان تر از نبرد با گروه هایی است که بعداً می آیند، در جواب فرمود: «من شروع به جنگ نمی کنم ».و صحنه دیگر آب دادن به سپاه تشنه حرّ بود که حضرت حتی آن که از همه دیرتر رسیده بود را سیراب کرد.

مواسات

یکی از زیباترین خصلت های اخلاقی ، مواسات ؛ یعنی غم خواری و هم دردی ویاری کردن دیگران است . از جلوه های بارز مواسات در حادثه عاشورا، صحنه ای است که میان بنی هاشم و دیگر یاران امام (ع) پیش آمد و هر گروه حاضر بودند پیش مرگ دیگری شوند. در شب عاشورا حضرت ابوالفضل (ع) در خیمه بنی هاشم این گونه ایراد سخن کرد:«فردا صبح ، شما نخستین گروهی باشیدکه به میدان می روید، ما پیش از آنان به استقبال مرگ می رویم تا مردم نگویند اصحاب را

جلو فرستادند...» و بنی هاشم هم برخاستند و شمشیرها را کشیدند و گفتند:«ما هم با تو هم عقیده ایم »، از طرف دیگر، در خیمه اصحاب حبیب بن مظاهرسخنرانی کرده و در ضمن سخنانش گفت :«صبح که شد، شما اولین نفراتی باشید که به میدان می روید، ما زودتر به مبارزه می پردازیم ، مبادا که یکی از بنی هاشم خون آلود شود، در حالی که هنوز جانی در بدن و خونی در رگ داریم ! تا مردم نگویند سروران خویش را به جنگ فرستادند و از فداکاری مضایقه کردند» و بعد همه با شمشیرهای آخته گفتند: «ما با تو هم عقیده ایم ».

وفا

وقتی به صحنه عاشورا می نگریم ، در یک طرف مظاهر برجسته ای از وفا را می بینیم و در سوی دیگر، نمونه های زشتی از عهدشکنی و بی وفایی . شب عاشورا سیدالشهدا (ع) وقتی با اصحاب خود صحبت می کند، وفای آنان را می ستاید و می فرماید:«من باوفاتر و بهتر از اصحابم ، اصحابی نمی شناسم ».شهدای کربلا جان بازی در رکاب آن حضرت را وفای به عهد می دانستند، عمرو بن قرظه روز عاشورا خود را در برابر شمشیرها و تیرهای دشمن قرار می داد تا به امام آسیبی نرسد، آن قدر جراحت برداشت که بی تاب شد، آن گاه رو به حضرت کرد و پرسید: «ای پسر پیامبر! آیا وفا کردم ؟»، امام فرمود:«آری تو در بهشت پیش روی منی و زودتر به بهشت می روی ، سلام مرا به پیامبر برسان ».و در زیارت امام حسین (ع) خطاب به آن حضرت می گوییم : «أشهد انّک وفیت بعهدالله وجاهدت فی سبیله حتی أتاك الیقین ».

پیام های عرفانی

اخلاص

صحنه عاشورا، صحنه تصفیه خالصان از ناخالصان است . آنها که از اول به قصدی غیر از رضایت و قرب الهی و عمل به وظیفه ، همراه امام (ع) به طرف کربلا حرکت کردند،هر یک به بهانه ای از حضرت جدا شدند و تنها کسانی ماندند که این راه را خالصانه انتخاب کرده بودند و خلوص خود را در شب عاشورا و روز نبرد نشان دادند.امام (ع) پیش از شروع حرکت از مدینه ضمن خطابه مفصلی که ایراد کرد، هرگونه شائبه دنیاطلبی و ریاست خواهی و جنگ قدرت را ردّ کرد و انگیزه خالص «اصلاح دینی و اجتماعی » را مطرح ساخت .در جای دیگر، این گونه فرمود:«من هرگز به عنوان شورش و خوش گذرانی ، سرمستی ، فسادانگیزی یا ستم قیام نکردم ، بلکه برای طلب اصلاح و امر به معروف و نهی از

منکر قیام کردم ».عابس بن ابی شبیب شاکری که یکی از اصحاب حضرت است ، حمایت خالصانه و الهی خود را از اهل بیت پیامبر (ص) در رجزش این گونه بیان می کند:«من با شمشیرم در راه شما تیغ می زنم و جهاد می کنم تا به دیدار خدا بروم و با این کار جز به پاداش الهی چشم ندوخته ام و چیزی نمی خواهم ».

بلا و امتحان

عارفان با ایمان نه تنها از بلا نمی گریزنـد، بلکه آن را نشانه لطف الهی و سـبب پاکی روح و جان خود می دانند و به اسـتقبال آن می روند.سیدالشـهدا (ع) در روز عاشورا در مناجاتی که در آخرین لحظات حیات با خدا دارد،خداوند راهم به نعمت های سرشارش می سـتاید و هم به بلای نیکویش .هم چنین هنگام آخرین وداع با اهل بیت ضـمن آن که آنان را آماده تحمل بلا و رنـج می سازد فرجام خوشـی بر ایشان بازگو می کند و می فرماید:«خداوند دشـمنانتان را با انواع بلاها عذاب می کند، ولی به شما در مقابل این بلا و به عوض آن انواع نعمت ها و کرامت ها را می بخشـد، پس شـکوه نکنید و چیزی بر زبان جاری نکنید که ارزش شما را بکاهد».

رضا و تسلیم

اهل بیت : در مقابل خواست خدا و تقدیر الهی کاملاً راضـی و خشـنود بودند و با پشـتوانه آن هر مشکل و بلایی را صبورانه و عاشـقانه تحمـل می کردنـد.امام حسـین (ع) وقـتی می خواست از مـدینه خـارج شود، هنگـام وداع بـا قبر پیـامبر (ص) از خـدا خواست که آنچه رضای او در آن است ، برایش مقـدّر کند.در مسـیر کوفه نیز پس از برخورد با «فرزدق » و آگاهی از اوضاع کوفه فرمود:«اگر قضـای الهی بر چیزی نـازل شود، آن را دوست داریم ».شـعار «رضـا الله رضانـا أهل البیت » از کلمات نورانی امام (ع) و خاندان او در این سفر بود. در واپسین لحظه های حیات خود هم از حنجره خونینش زمزمه رضایت از تقدیر الهی به گوش می رسید.

شهادت طلبی

صحنه عاشورا جلوه شهادت طلبی یاران با ایمان امام حسین (ع) بود، خود حضرت نیز پیشتاز و الگوی این میدان بود.وقتی امام می خواست از مکه حرکت کنـد با خوانـدن خطبه ای از زیبایی مرگ در راه خـدا سـخن گفت و از آنها خواست که هر کس طالب شهادت است و آمادگی بذل جان خویش را دارد همراه حضرت برود.اگر در اظهارهای یاران امام در شب عاشورا دقت شود، این روحیه در گفتارشان موج می زند و هر یک برخاسته و عشق خود را به کشته شدن در راه خدا و در حمایت از فرزند پیـامبر و مبـارزه بـا ظالمان ابراز می کنـد و سـخن شان این بود:«سپاس خـدایی را که با یاری کردن تو ما را گرامی داشت و با کشـته شدن همراه تو ما را شـرافت بخشید».حتی نوجوانی چون حضرت قاسم (ع) مرگ را شیرین تر از عسل معرفی می کند و از آن استقبال می نماید.در صبح عاشورا با آغاز

تیراندازی سپاه عمر سعد، حضرت خطاب به یاران خویش فرمود:«خدا رحمتتان کند! برخیزید به سوی مرگی که چاره ای از آن نیست ».و این در واقع فراخوانی به سوی حیات بود، حیاتی جاویدان در سایه مرگ سرخ .

عشق به خدا

یکی از شاعرانی که به حادثه عاشورا از زاویه عرفانی و عشق به خدا نگاه کرده ،عمان سامانی است ، دیوان «گنجینه الاسرار» او با همین تحلیل به حماسه حسینی نظر دارد. او امام حسین (ع) را سرمست از شوق و عشق الهی می بیند، او را موجی برخاسته از دریا می داند که محو حقیقت خداست و در جدال عقل و عشق سپاه عشق را غالب می سازد و حتی در وداع آخر خود با خواهرش از او می خواهد که حجاب وصل نشود.و آنچه گفته شد، در مورد خاندان و یاران حضرت هر یک با توجه به مرتبه خویش جاری است .

یاد خدا

سیدالشهدا (ع) در تمامی حالات و در بحرانی ترین پیشامدها با یاد خدا آرامش می یافت و این اطمینان قلبی را به خاندان و یارانش نیز منتقل می کرد.حضرت وقتی برای اصحابش خطبه می خواند، آغاز آن را حمد و ثنای الهی قرار می داد. در صبح عاشورا وقتی سپاه دشمن به سویش می آید، می فرماید:«خدایا در هر گرفتاری ، تو تکیه گاه منی ».امام و یاران پاکباز او شب عاشورا را مهلت گرفتند تا این که بتوانند تا صبح به نماز و قرآن و ذکر خدا بپردازد.در روز عاشورا در اوج سختی ها حضرت یک لحظه از یاد خدا غافل نبود و پیوسته ذکر: «لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم » بر زبانش جاری بود.وقتی کودک شیرخوارش را بر روی دستانش به شهادت رساندند، این گونه فرمود:«آنچه تحمل این مصیبت را آسان و هموار می سازد، این است که جلوی چشم خداوند است و او می بیند و شاهد است ».مناجات های عاشقانه حضرت با معبودش در آخرین لحظه های زندگی نیز تداوم همین حالات روحانی و عرفانی است .یاران حضرت نیز همگی این گونه بودند،

نمونه آن مسلم بن عقیل است . وقتی دستگیر شد و او را برای کشتن به بالای دارالاماره می بردند، زبانش به ذکر حق گویا بود و دلش به یاد معبود می گفت : «الحمد لله علی کل ّحال » و پیوسته «الله اکبر» می گفت و از خدا مغفرت می طلبید و بر فرشتگان و فرستادگان الهی صلوات و درود می فرستاد.

پیام های تاریخی

اتمام حجت

در نهضت عاشورا امام حسین (ع) و یارانش پیش از آن که جنگ درگیرد و دست دشمن به خون پاک آنان آلوده شود اتمام حجت می کردند و با آیات بیّنات راه صحیح وحق را به آنها نشان می دادند تا مبادا کسی از روی جهالت خود را دچار عذاب الهی کند.در روز عاشورا حضرت ضمن خطبه ای که ایراد کرد، این گونه فرمود:«به نسبت و تبار من بنگرید؛ آن گاه به وجدان خویش باز گردید و خود را سرزنش کنید، ببینید آیا کشتن من و هتک حرمتم برای شما رواست ؟ آیا من پسر دختر پیامبرتان نیستم ؟ آیا من پسر وصی ّو عموزاده پیامبر نیستم ؟ آیا حمزه سیدالشهدا و جعفر طیّار عموی من نیستند؟ آیا این سخن پیامبر به گوشتان نرسیده که فرمود: این دو[حسن وحسین]سرور جوانان بهشتند؟.... آنچه می گویم حق ّاست و تاکنون دروغی نگفته ام . اگرمی پندارید دروغ می گویم از جابر بن عبدالله انصاری ، ابوسعید خدری ، سهل ساعدی ، زیدبن أرقم و أنس بن مالک بپرسید که می گویند این سخن را از پیامبر درباره من و برادرم شنیده اند. آیا این کافی نیست که دست به کشتنم نیالایید؟».

افشاگری

در حادثه کربلاـ یکی از رسالت های بازماندگان حادثه افشاگری علیه دشمن بود و ضربه زدن به رژیم اموی از طریق تبیین آنچه در کربلاـ گذشت . نقش امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) در این میان حائز اهمیت بود.امام در نطقی که در کوفه داشت ، در حضور انبوه مردم این گونه خود را معرفی کرد:«ای مردم ! هرکس مرا می شناسد، که شناخته است و هر کس مرا نمی شناسد، من علی بن الحسین هستم ، پسر آن که حرمتش را زیر پا نهادند و نعمت را از او سلب کردند،مالش

را به غارت بردند، خانواده اش را به اسارت گرفتند، من پسر کسی هستم که بی گناه او را در کنار شط ـفرات سر بریدند».و نیز حضـرت ، در خطابه ای که در کاخ یزید ایراد کرد اوصاف و فضائل پدرش و جدّش و همه خدمت ها و فضـیلت های دودمان خود را برشمرد تا آن جا که صدای ضجّه و گریه همه بلند شد و یزید برای جلوگیری از رسوایی بیشتر و بیم بروز فتنه به مؤذن گفت اذان بگویـد تـا شایـد فضـای جلسه عـوض شود، ولی حضـرت از فرازهـای اذان هم در معرفی خود و رسوا سـاختن یزید استفاده کرد.سخنرانی های حضرت زینب (س) و حضرت ام کلثوم (س) نیز همین محتوا و جهت گیری را داشت .

ریشه عاشورا در سقیفه

عـاشورا در واقع تجلی نهایت دشـمنی های امویان با اهل بیت عصـمت و طهارت بود که با هم دستی همه عوامل ِ پیـدا و پنهان شکل گرفت ، اگر وصیت پیامبر (ص) درباره سرنوشت مسلمین پس از خودش عمل می شد و ولایت حاکمیت می یافت . آن بدعت ها،رجعت ها و شـعله ور شدن آتش کینه و عداوت بازماندگان احزاب شرک و ضربه خوردگان از تیغ اسلام بروز نمی یـافت ، شـهادت امـام علی (ع) و یارانش در عاشورا برگی دیگر از آن سـتم نخستین بود، تیری که روز عاشورا بر قلب حسـین (ع) نشـست و خون حضرت را برزمین ریخت ، در واقع در روز سقیفه رها شده بود و در عاشورا به هدف نشست !این که یزید پس از کشـتن امـام (ع) مغرورانه می گفت : کـاش اجـدادم و نیاکانم بودنـد و شاهـد این انتقام گیری بودنـد، نشانه دیگری از همین کینه دیرینه است .هم چنین این که ابن زیـاد در کوفه بر سـر مبـارک سیدالشـهدا (ع) جسـارت می کرد و باچوبی که در دست داشت ، بر

لب های حضرت می زد و می گفت : «یوم بیوم بدر» باز هم نشان دهنده ریشه داشتن کربلا در سقیفه است .

عبرت آموزی

حادثه کربلا، یکی از حودث الهام بخش و عبرت آموز است ، در عین حال که برای همه حق جویان و عدالت خواهان و مبارزان راه حق و آزادی یکی از غنی ترین منابع الهام بخش است ، از نگاه دیگر، یکی از تلخ ترین حوادث و دردناک ترین فجایعی است که در تاریخ اسلام به دست امت پیامبر پدید آمد و جا دارد دقیقاً مطالعه و عوامل بروز این حادثه تلخ ریشه یابی شود.مقام معظّم رهبری فرموده اند:«ملت اسلام جا دارد فکر کند که چرا پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر کار کشور اسلامی به جایی رسید که همین مردم مسلمان از وزیرشان ، امیرشان ، سردارشان ،عالمشان ، قاضی شان ، قاری شان گرفته تا اجانب و اوباش در کوفه و کربلا جمع شدند و جگرگوشه همین پیغمبر را با آن وضع فجیع به خاک و خون کشیدند! خوب ، باید آدم به فکر فرو رود که چرا این طوری شد؟... کار به جایی برسد که جلوی چشم مردم حرم پیامبر را بیاورند توی کوچه و بازار به آنها تهمت خارجی بزنند».

پیام های سیاسی اجتماعی

امر به معروف و نهی از منکر

در قرآن کریم و منابع روایی ما از این اصل به عنوان یکی از مهم ترین فرایض ،بلکه برترین فریضه یاد شده که در صورت فراهم شدن شرط بر همگان واجب است .امام حسین (ع) در ضمن بیان انگیزه های قیام خویش به این امر مهم اشاره می کند و می فرماید:«ارید أن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر».در مسیر راه کربلا نیز در ضمن ایراد خطبه ای با اشاره به شرایط پیش آمده و این که دنیا دگرگون شده و معروف رخت بربسته و به حق عمل نمی شود و از باطل دوری جسته نمی شود شوق خود را با لقای خدا و مرگ شرافت مندانه ابراز می کند و زندگی

در کنار ستمگران را مایه نکبت می شمارد و چنین شرایطی را زمینه ساز قیام خود معرفی می کند.

اصلاح

جامعه ای که دچار انحطاط شده و از ملاک های ارزشی فاصله بگیرد، دچار فساداست . خصوصاً جامعه ای که در رأس قدرت افرادی باشند که خود از جامع ترین مظاهر فساد از هر حیث باشند، چنین جامعه ای نیاز به اصلاح دارد و بر آگاهان و دلسوزان جامعه خصوصاً ائمه دین واجب و فرض است که ساکت ننشینند و به این امر مهم قیام کنند.حرکت امام حسین (ع) از نوع همین حرکت اصلاح گرانه بود و خود در سخن معروف خویش به آن اشاره می کند، آن جا که می فرماید:«انّما خرجت لطلب الاصلاح فی اُمه جدّی ».

جهاد

در عصر امام حسین (ع) مردم گرفتار حکومت ظالم و فاسدی شده بودند که برای مقدسات دینی و اسلام و مسلمانان حرمتی قائل نبود و اسلام در چنین شرایطی در معرض نابودی بود. امام حسین (ع) قیام بر چنین حکومتی را واجب می دید و با امتناع از بیعت با یزید به مکه رفت و از آن جا به کوفه عزیمت کرد تا شیعیان را در جهاد بر ضد ستم رهبری کند.خود حضرت در دیداری که با «فرزدق » در مسیر کوفه داشت ، ضمن بر شمردن فسادهای حکومت «امویان » و تعطیل حدود الهی و رواج می خواری و غارت اموال مردم فرمود:«من سزاوارترین کسی هستم که به یاری دین خدا برخیزم و شریعت مطهر او را عزیز بدارم و در راه او جهاد کنم تا کلام الهی برترین شود».

عدالت خواهی

پیام عاشورا دعوت از انسان ها برای تلاش در راه اقامه عدل و قسط است ، زیرا بدون حیات اجتماعی مبتنی بر عدل همه ارزش ها تباه می شود و زمینه مرگ دستورهای دینی و آیین الهی فراهم می آید.در این زمینه وظیفه علمای دین و در رأس آنان امامان به حق سنگین تر است .امام حسین (ع) در یکی از سخنرانی های خویش با استناد به فرمایش حضرت رسول (ص) که قیام علیه سلطه جابرانه را لازم می شمارد، خود را شایسته ترین فرد برای قیام جهت تغییر حکومت و ساختار سیاسی معرفی می کند.این هدف در سخن یاران امام (ع) نیز دیده می شود، مسلم بن عقیل پس از دستگیری خطاب به ابن زیاد فرمود:«ما آمده ایم تا به عدالت فرمان دهیم و به حکم قرآن فرا بخوانیم ».

عزت خواهی

امام حسین (ع) مرگ در راه مبارزه با ستم و عدوان را سعادت می داند و زندگی درکنار ستمگران را مایه ننگ و ذلت می شمرد: «لا أری الموت الاّ سعاده والحیاه مع الظالمین الاّ بَرَماً».در جایی دیگر این گونه زندگی حقیقی را تفسیر می کند: «مرگ در راه عزّت جز حیات جاوید نیست ».آنان که در زندگی در راه اهداف خویش مبارزه می کنند و سلطه بیداد را نمی پذیرند، ملّت زنده اند اگر چه در این راه همه کشته شوند و به همین دلیل ، شهید همواره زنده است و با همین فلسفه شهدای کربلا حیات جاودانه یافتند.

هجرت

قرآن کریم از مهاجران به عظمت یاد می کنند. در تاریخ اسلام نیز مهاجران به حبشه و یثرب موقعیت و احترام داشتند و هجرت یک ارزش مکتبی به حساب می آمد و روی همین حساب مبدأ تاریخ قرار گرفت .در نهضت عاشورا نیز امام حسین (ع) برای مقابله با حکومت جور، برای امر به معروف و نهی از منکر و در راه احیای دین دست به هجرت زد و مدینه را به قصد مکّه ومکّه را به سمت عراق پشت سر نهاد، حضرت هنگام خروج از مدینه آیه (فخرج منها خائفاً یترقّب قال ربِّ نجّنی من القوم الظالمین) را تلاوت کرد که به هجرت حضرت موسی (ع) از ظلم و ستم فرعون مربوط می شود.

پیام های احیاگری

احیای کتاب و سنت

در سخنان سیدالشهدا (ع) نمونه هایی از مرگ سنت ها و حیات بدعت ها و جهالت ها و نیز جملاتی از احیاگری به اصول و ارزش های فراموش شده و از دست رفته وجود دارد:حضرت در نامه ای خطاب به مردم بصره می نویسد:«من شما را به کتاب خدا و سنّت پیامبر فرا می خوانم ، سنت مرده و بدعت زنده شده است ، اگر سخنم را بشنوید و فرمانم را پیروی کنید، شما را به راه رشد هدایت می کنم ».در جایی دیگر این گونه می فرماید:«کوفیان به من نامه نوشته و از من خواسته اند که نزد آنان بروم ، چرا که امیدوارم معالم و نشانه های حقّ زنده گردد و بدعت ها بمیرد».این که در زیارت حضرت می خوانیم :«تلوتَ الکتابَ حقَّ تلاوته » تلاوت واقعی قرآن تلاش برای احیای تعالیم آن درمتن جامعه است که امام حسین (ع) به آن پرداخت و دستاورد نهضت عاشورا بود.

احیای دین

سیدالشهدا (ع) مرگ در راه حق و احیای آن را زندگی می شمرد و در این راه باکی ازشهادت نداشت ، این سخن از اوست : «چه آسان است مرگ در راه رسیدن به عزّت و زنده کردن حق ».حمایت از دین و فداکاری در راه آن جلوه بارزی از احیاگری است و اگر آن جهادها و شهادت ها نبود، اساس دین باقی نمی ماند، اگر صدای اذان و آوای تکبیری پا برجاست ،نتیجه همان فداکاری ها و جان فشانی ها است .در شعری که زبان حال حضرت را بیان می کند به این مطلب به صراحت اشاره شده است :«لو کان دین محمّدٍ لم یستقم الاّ بقتلی فیا سیوف خذینی »حضرت ابوالفضل (ع) نیز در رجزی که در روز عاشورا، پس از قطع شدن دست راست خویش خواند بر مسئله حمایت از دین تأکید داشت :«والله ان قطعتم

یمینی انّی أحامی أبداً عن دینی »

احیای نماز

امـام حسـین (ع) و یاران باوفایش در نهضت عاشورا به نماز و اقامه آن اهمیت بسـیاری می دادنـد، مهلت شب عاشورا به خاطر همین بود، عشق به نمـاز و دعـا و اسـتغفار دردل امـام (ع) آن چنـان بود که به برادرش عباس (ع) فرمود:«از این گروه بخواه تا نبرد را به فردا بیندازند و امشب به تأخیر افتد، باشد که به نماز و دعا و استغفار بپردازیم ، خدا می داند که من پیوسـته علاقه به نماز و تلاوت آیات الهی داشته ام ».ظهر عاشورا وقتی «ابوثمامه صیداوی » وقت نماز را به یاد آورد، حضرت فرمود:«نماز را به یـاد آوردی ! خداونـد تو را از نمازگزاران و ذاکران قرار دهـد».سـعیدبن عبـدالله حنفی نیز هنگام نماز جلوی امام (ع) ایسـتاد و همه تیرهای دشـمن را که به سوی حضـرت می آمد، به جان خرید تا آن جا که نماز امام پایان یافت و او در خون غرق گشت و اولین شـهید نماز در جبهه کربلا شـد. پیام عاشورا پیام اقامه نماز و تربیت نسل نمازخوان و خدا دوست و اهل تهجّد و عرفان است .

نتیجه گیری

عـاشورا مکتب انسـان سـازی است و حسـین آموزگـار بزرگ بشـریت ؛ عـاشورا یـک حـادثه نیست ، بلکه یک مکتب است ، مکتبی که درس ایمان و عقیده ، شهامت و شهادت ،عدالت و آزادی خواهی ، همّت و غیرت ، جهاد و قیام ، صبر و استقامت ، امامت و ولایت ،ایثار و رشادت و در یک کلام درس انسانیت به تمامی بشـر و تمام آنها که می خواهنـد انسان باشـند و انسان زنـدگی کننـد، می دهـد. عـاشورا در ظـاهر یـک روز، ولی در واقع به بلنـدای تمام اعصار و قرون است و عاشوراییان در ظاهر تعدادی محدود، اما در واقع به تعداد تمام عدالت جویان

و آزادی خواهـان جهـان و تمام آنهایی که قلبشان برای انسانیت می تپـد. آری ، در آن زمان اگر چه به ظاهر یزیـد بر خانـدان پیامبر (ص) تسلط پیداکرد و توانست بدن های آنها را زیر سُم اسبان لگدکوب کند، اما مکتب و مرام آنها هرگز ازبین نرفت و تا حق و حقیقت وجود دارد حسـین و حسـینیان زنـده و جاویدند و همین رمز بقای نهضت اواست . آنچه شـیرزن دشت کربلا، عقیله بنی هـاشم ، زینب کـبری (س) در کـاخ شـام فرمـود:«ای یزیـد: هر چه حیله و مکر می توانی به کـار بـبر و آنچه در توان داری تلاـش کن .به خـدا سوگنـد! هرگز نمی توانی ذکر مـا را[از سـینه ها]محو کنی ».آری ، «کلّ یومٍ عاشورا و کلّ أرضٍ کربلا».

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹